

عبادت بجز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلِق نیس

سعدی

در اخبار شاهان پیشینه هست

که چون تکه بر تخت زنگی نشست

به دورانش از کس نیازد کس

سبق برد اگر خود همین بود و بس

چنین گفت یک ره به صاحب‌دلی

که عمرم به سر رفت بی حاصلی

بخوادم به کنج عبادت نشست

که دریابم این پنج روزی که هست

چو می‌بگذرد جاه و ملک و سریر

نبرد از جهان دولت الا فقیر

چو بشنید دانای روشن نفس

به تندی برآشفت کای تکه بس!

طریقت به جز خدمت خلق نیست

به تسبیح و سجاده و دلِق نیست

تو بر تخت سلطانی خویش باش

به اخلاق پاکیزه درویش باش

به صدق و ارادت میان بسته‌دار

ز طامات و دعوی زبان بسته‌دار

قدم باید اندر طریقت نه دم

که اصلی ندارد دم بی‌قدم

بزرگان که نقد صفا داشتند

چنین خرقه زیر قبا داشتند